

بررسی نقش و جایگاه زن جنوب در قصه‌های عامیانه (گپ شو)

(جامعه مورد مطالعه: قصه‌های عامیانه شهرستان لامرد^{*})

رضا نوبخت^{**}، نسرين احمدی^{***}

چکیده: در این مقاله نقش و جایگاه زنان و مردان در قصه‌های عامیانه (گپ شو)^۱ شهرستان لامرد با استفاده از نظریه‌ی نقش پارسونز مورد بحث قرار گرفته است. از میان مجموع قصه‌های عامیانه موجود در فرهنگ مردم این شهرستان ۶۰ گپ شو انتخاب^۲ و با استفاده از روش فراتحلیل، مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش سعی شده قصه‌های نقل شده از افراد بالای ۵۰ سال مورد استفاده قرار گیرد. هدف این بررسی در وهله نخست، آشنایی با قصه‌ها و عناصر فرهنگی است که به صورت شفاهی، نسل به نسل منتقل شده است. دیگر اینکه زنان و مردان در این قصه‌ها دارای چه نقش و جایگاهی اند؟ مقایسه پایگاه دو جنس دغدغه پایه‌ای این پژوهش می‌باشد. تحلیل محتوا؛ تکنیک تحلیل منابع مربوط به زمان‌های گذشته و یا فرهنگ‌های دیگر، بعنوان ابزار تجزیه و تحلیل در این تحقیق استفاده شده است. گرچه آمارها نشان از این دارد که نقش زنان در جامعه فعلی محدود به نقش خانگی نیست و برخی از زنان دارای نقش‌های سیاسی و اقتصادی هستند اما در این قصه‌ها زنان غالباً در نقش‌های خانوادگی و کلیشه‌ای سنتی ظاهر شده‌اند و ویژگی اخلاقی بارز آن‌ها ضعف و ناتوانی، مهربانی و دلسوزی و نداشتن ابزار قدرت و همچنین نداشتن قدرت است.

واژگان کلیدی: پایگاه زنان، قصه‌های عامیانه، نقش بانفوذ، نقش راهبردی، نقش عادی.

طرح مسئله

زنان نیمی از جمعیت جامعه‌ی انسانی را تشکیل می‌دهند اما نابرابری در دسترسی به منابع و امکانات موجود، وجود برخی تبعیض‌های اجتماعی، عدم وجود یک نگرش همه جانبه درباره‌ی زنان و ... از جمله دلایلی می‌باشد که نقش این قشر از جامعه را در سطوح مختلف کمرنگ نموده است.

* شهرستان لامرد در جنوبی‌ترین نقطه استان فارس واقع شده و از لحاظ فرهنگی با استان بوشهر نیز قرابت دارد

rznobakht@gmail.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز لامرد

ahmadi5danesh@yahoo.com

*** دانشجوی رشته علوم اجتماعی پیام نور مرکز لامرد

^۱ در گذشته مردم برای گذراندن اوقات شب به قصه گفتن می‌پرداختند که به گویش محلی گپ‌شو گفته می‌شود.

^۲ معیار انتخاب، قصه‌هایی بوده که هردو جنس در آن حضور داشته‌اند و از بقیه قصه‌ها صرف نظر شده است.

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۰۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۳/۰۴

زنان به واسطه‌ی نقش مادری و مراقبت‌کننده، اساساً در فعالیت‌های خانگی جذب می‌شوند یعنی همان چیزی که داستان‌نویس و منتقد فرانسوی «سیمون دوبوار» جنس دوم نامیده‌است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۰۵). مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و گذراندن ساعاتی از روز در بیرون از خانه تا حدودی گستره‌ی حضور زنان در جامعه را متحول کرده‌است اما نقش‌های فرهنگی و سنتی سابق، رسیدگی به فرزندان، کارهای روزمره‌ی خانه و تا حدودی مدیریت خانه همچنان بر عهده‌ی زنان می‌باشد. از این گذشته مسئولیت‌هایی که زنان در قلمرو خانگی دارند یا به آنان داده شده، نقش‌هایی‌اند که اغلب مردان از بر عهده گرفتن آن سرباز می‌زنند که همین عامل مانع مشارکت یکسان مردان و زنان در قلمرو عمومی شده‌است (آبوت و والاس، ۱۳۸۱: ۲۵۶).

وضعیت زنان در ایران به عنوان جامعه در حال گذار به یکی از مسایل عمده و اساسی در عرصه‌های مختلف تبدیل شده است. با تحولات بسیاری که بعد از انقلاب در جامعه ایران پدید آمده؛ از جمله نیاز به حضور زنان، افزوده شدن مسئولیت‌های اجتماعی و نقش آنان در ساختار تولیدی، رشد تحصیلات، اشتغال و مشارکت در عرصه‌های مختلف، جریان حضور زن در جامعه را به یک جریان رو به رشد تبدیل نموده است. موافق نتایج مأخوذه از آمارگیری جمعیت در سال‌های ۷۰، ۷۵، ۸۵ جمعیت زنان در حال افزایش است و حضور این گروه در آموزش عالی نیز رشد فزاینده‌ای داشته است. اما درصد حضور آنان در پایگاه مدیریتی رقم ناچیز سه درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). کندو کاو در پیشینه و گذشته تاریخی هر گروه و جامعه‌ای می‌تواند وضعیت کنونی آن را دقیق‌تر به ما بشناساند. شناسایی اینکه چرا زنان در جامعه فقط سه درصد از بخش مدیریتی را بر عهده دارند مساله اصلی بررسی حاضر بوده است. برای پی بردن به پیشینه‌ی این پدیده، قصه‌های عامیانه را بعنوان مرجعی تاریخی انتخاب نموده تا بتوانیم وضعیت زنان را در گذشته مشخص نماییم و به این ترتیب شرایط کنونی آن‌ها را تحلیل کنیم. به طور خلاصه، این تحقیق به دنبال آن است تا با مورد بررسی قرار دادن قصه‌های عامیانه رایج در شهرستان لامرد جایگاه و نقش زنان را ارزیابی نماید.

اهمیت موضوع

هر جامعه‌ای از زنان و مردان انتظار دارد که نقش‌های جنسیتی یا الگوهای رفتار و تعهدات و امتیازات خاصی که مناسب برای هر جنس به نظر می‌رسد را ایفا نماید. تفاوت در نقش‌های جنسیتی که منعکس‌کننده‌ی طبقه‌بندی جنسی در جوامع است، باعث شده که پایگاه‌های اجتماعی جنس‌ها عموماً نابرابر باشد چنین اتفاقی تا به امروز خطایی صفرناشدنی در تمام جوامع به حساب آمده است.

بررسی نقش و جایگاه زن جنوب در قصه‌های عامیانه (گپ شو) ۶۳

زنان تا دیروز موجوداتی فراموش شده بودند و به مشارکت آن‌ها در امور و فعالیت‌های اجتماعی توجه نمی‌شد. فعالیت آنان به وظایف خانه‌داری، همسرداری و بچه‌داری محدود شده بود و از طرفی زنان نیز این باور را پذیرفته بودند. فرهنگ سنتی و الگوهای ریشه‌دار ذهنی و هنجاری، آن نقش اجتماعی جنس دومی و حاشیه‌ای را برای زنان و دختران القا می‌کرد. این الگو برای خانواده‌ها و شیوه‌های تربیتی پدران و مادران و حتی بر نگرش و رفتار و گرایش خود زنان نیز سایه انداخته بود.

امروزه یکی از مباحث توسعه، نفی نابرابری جنسی و نفی تبعیض میان زن و مرد است. بحث آموزش زنان و دختران به‌عنوان مادرانی _ که اولین عامل انتقال ارزش‌ها، هنجارها، فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و سنت‌ها هستند از اهمیت فراوانی برخوردار شده است. امروزه به چند دلیل نقش زنان در جامعه ایران محدود شده است و آنان نتوانسته‌اند از قدرت و خلاقیت خود بهره کامل ببرند. نخستین دلیل، دیدگاه سنتی پایبند بودن زن، به خانه است. دیگر این که در ایران همواره مردسالاری و پدرسالاری حاکم بوده و بدین ترتیب در هیچ زمان زنان فضای مناسبی برای مداخله در مسئولیت‌های اجتماعی نداشته‌اند (مجموعه مقالات، ۱۳۸۰). توجه به نقش‌های زنانه در گذشته، جایگاه و پایگاه زن در جامعه سنتی و عدم وجود تحقیقی در این زمینه از عواملی است که اهمیت انجام بررسی در این مورد را نشان می‌دهد.

اهداف پژوهش

- هدف کلی پژوهش شناخت جایگاه و نقش اقتصادی و اجتماعی و سیاسی زنان در شهر لامرد بر اساس قصه‌های عامیانه است. علاوه بر این عوامل زیر نیز مورد بررسی قرار گرفته است:
- شناخت سهم هر یک از نقش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان و مقایسه با نقش‌های مردان.
 - معرفی تحلیل محتوا به‌عنوان یکی از روش‌های بررسی در تحقیقات اجتماعی.
 - شناخت ویژگی‌ها و صفات بارز اخلاقی زنان و مردان در قصه‌های عامیانه .

مبانی نظری

نظریه‌ی نابرابری جنسیتی

چهار مضمون، شاخص نظریه‌های نابرابری جنسی است: نخست آن که مردان و زنان نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند بلکه در موقعیت‌های نابرابری قرار گرفته‌اند. زنان در مقایسه با مردانی که در همان

جایگاه اجتماعی هستند، از منافع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های تحقق نفس کم‌تری برخوردارند. دوم این‌که این نابرابری از سازمان جامعه نشأت می‌گیرد و از هیچ‌گونه تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود. سومین مضمون نابرابری به این اشاره دارد که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کم‌تری برای برآوردن نیازها برخوردارند در حالی‌که هر دو در این نیاز سهیم‌اند. چهارم این‌که نظریه‌های نابرابری فرض را بر این می‌گیرند که دگرگون ساختن موقعیت زنان امکان‌پذیر است (ریترز، ۱۳۸۴: ۴۷۳).

تئوری پارسونز

بر طبق نظریه‌ی پارسونز فعالیت یا کارها را می‌توان بر اساس چهار حوزه‌ی جامعه تقسیم‌بندی کرد: امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. بر این اساس نقش‌های افراد را می‌توان به صورت افقی در ارتباط با چهار حوزه یاد شده به انواع اصلی زیر تقسیم کرد: نقش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. پارسونز معتقد است نقش‌ها را می‌توان بر اساس میزان مصرف انرژی و اطلاعات به نقش‌های راهبردی، با نفوذ، کمکی و عادی تقسیم کرد.

نقش راهبردی نقشی است که کم‌ترین انرژی را مصرف می‌کند ولی مصرف‌کننده‌ی بیش‌ترین اطلاعات است و بر سایر نقش‌ها نظارت دارد و کار جهت‌دهی و تعیین هدف را بر عهده دارد. نقش با نفوذ بعد از نقش راهبردی قرار می‌گیرد. این نقش کار هماهنگی، عملیاتی کردن اهداف را بر عهده دارد. نقش کمکی کار نظارت بیرونی و آبی را بر اجرای امور جهت تحقق اهداف به‌عهده دارد. این نقش مصرف‌کننده انرژی است تا مصرف‌کننده اطلاعات. نقش عادی بر خلاف نقش راهبردی در تماس نزدیک با جهان عینی است. این نقش بیشترین انرژی را مصرف می‌کند و از اطلاعات کمی استفاده می‌نماید. اجرای وظایف روزمره از انتظارات اساسی این نقش است (چلپی، ۱۳۷۵: ۱۷۱).

دیدگاه فمینیسم رادیکال

تأکید این گروه از فمینیست‌ها بر این است که در جوامع غربی نگاه مردسالاری شدید وجود دارد و برآیند آن نیز نوعی ذهنیت و نگرش منفی نسبت به زنان و به حاشیه راندن آن‌ها از صحنه و فضای عمومی جامعه است، به‌گونه‌ای که زندگی اجتماعی را محدود به عرصه‌ی خصوصی در قالب زندگی فردی و درون خانواده می‌نماید. به تعبیری پدرسالاری به‌عنوان نوعی ساختار تسلط و انقیاد در شکل گسترده‌ترین و ماندگارترین نظام نابرابری تداوم پیدا کرده و به‌صورت بنیادی‌ترین الگوی اجتماعی مسلط در آمده است (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۱). در زمینه‌ی قصه‌های عامیانه و یافتن جایگاه زنان در آن تا کنون بررسی و تحقیقی انجام

بررسی نقش و جایگاه زن جنوب در قصه‌های عامیانه (گپ شو) ۶۵

نشده است و محقق در این زمینه نتوانسته پیشینه‌ای را بیابد با این که شب‌نشینی و گفتن قصه در فرهنگ ایران وجود داشته اما تاکنون محققى به این مورد توجه نداشته است. محققانی هم‌چون داکرو^۳ (۱۹۷۲)، سوینگ^۴ (۱۹۷۵)، چایلد و لوین^۵ (۱۹۴۶)، گرابنر^۶ (۱۹۷۲)، پاتر^۷ (۱۹۷۲)، وایتزمن و دیگران^۸ (۱۹۷۲) به بررسی نقش زنان و کودکان در کتاب‌های داستان و دیگر کتب پرداخته‌اند. آن چه که از این بررسی‌ها به دست آمده نشان از تفاوت فاحش بین نقش دو جنس دارد و این که مردان شخصیت اصلی و شالوده تمام داستان‌ها بوده‌اند و زنان اغلب دارای نقش‌های حاشیه‌ای و خانه‌داری بوده‌اند.

روش تحقیق

در حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی روش‌های متعددی برای تحقیق و شناخت واقعیت پدیده‌های اجتماعی وجود دارد. تحلیل محتوا یکی از این روش‌هاست.

اهمیت تکنیک تحلیل محتوا این است که این تحلیل می‌تواند بی‌رابطه با زمان و مکان در مورد تحلیل محتوای منابعی که در زمان‌های گذشته و یا در فرهنگ‌های دیگر تولید شده‌اند به کار گرفته شود (رفیع پور، ۱۳۸۴: ۱۰۹). بیسلی بر این عقیده است که تحلیل محتوا مرحله‌ای از جمع‌آوری اطلاعات است که در آن محتوای اطلاعات از طریق به‌کارگیری عینی و منتظم قواعد مقوله‌بندی به اطلاعاتی که می‌توانند خلاصه و با هم مقایسه شوند، تغییر شکل می‌یابد (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۳).

جامعه‌ی آماری مورد تحلیل در این بررسی قصه‌های عامیانه (گپ شو) رایج در شهرستان لامرد و نقش زنان و مردان در این قصه‌ها است تا به وسیله آن جایگاه و نقش زنان و مردان و ویژگی‌ها و صفات بارز آن‌ها ارزیابی شود. از میان قصه‌های موجود، ۶۰ قصه برای این پژوهش انتخاب شد و مورد بررسی قرار گرفت. در انتخاب قصه‌ها سعی شده از قصه‌هایی استفاده شود که به حضور هر دو جنس در آن توجه شده است.

3. Decrow

4. Stewing

5. Child And Levine

6. Graebner

7. Potter

8. Weitzman And Etsral

یافته‌های تحقیق

در جدول شماره‌ی یک، نقش‌ها و صفات به تفکیک زن و مرد در ۶۰ قصه‌ی مورد نظر بیان شده است. برخی از این قصه‌ها متناسب به حیوانات بوده (دو قصه) که با توجه به نوع شخصیت آن‌ها این نوع داستان‌ها را به فضای زندگی انسانی مرتبط کردیم. در این جدول اطلاعات هر قصه به تفکیک آورده شده است. آنچه به نظر می‌رسد این است که زنان اکثراً به خانه‌داری مشغول‌اند و مردان دارای حرفه‌های مختلف هستند. اکثر قصه‌ها به طبقات بالای جامعه ارتباط دارد هر چند سعی شده قصه‌هایی انتخاب شود که کل سطوح و طبقات جامعه را پوشش دهد. می‌توان چنین دریافت؛ گرایش مردم این منطقه به بازگویی قصه‌ها و داستان‌هایی بوده که نوید یک زندگی خوب را می‌داده و زندگی قهرمان داستان را از لحاظ اقتصادی متحول می‌سازد. از طرفی در اکثر داستان‌ها، قهرمان داستان را مردان تشکیل می‌دهد که نشان از وجود تفکر مردسالار در فرهنگ سنتی این منطقه دارد. نتایج این پژوهش در زمینه‌ی ویژگی‌های خصوصیات اخلاقی زنان نشان می‌دهد که ضعیف و ناتوان بودن زنان با ۲۳.۳ درصد بارزترین صفت آنان در این قصه‌هاست، در مقابل مردان با ۳۱.۶ درصد صفت قدرت‌مند، شجاع و قهرمان را دارا بودند. مردان در اغلب قصه‌ها تصمیم‌گیرنده بودند (۲۵ درصد) در حالی که زنان با ۱۸.۳۳ درصد فاقد قدرت در خانواده و مطیع مردان بودند. عمده‌ترین ویژگی شخصیتی زنان بعد از ضعیف، ناتوان و فاقد قدرت بودن آنان مهربانی و دل‌سوزی است (۱۸/۳ درصد) در حالی که مردان با ۲۱/۶ درصد ظالم و ستم‌گر معرفی شده‌اند. از سوی دیگر در ویژگی‌های شخصیتی زنان، حيله‌گر و مکار بودن نیز به وفور دیده شده است (۱۶/۶ درصد)، در حالی که این ویژگی در مردان مشاهده نشده است. زنان در این قصه‌ها با صفات خائن و بی‌وفا (۱۰ درصد)، حسود (۸/۳ درصد)، زیبا (۶/۶ درصد)، زیرک و باهوش (۶/۶ درصد)، فضول و خبرچین (۳/۳ درصد) نشان داده شده‌اند. در حالی که صفات بارز مردان در این قصه‌ها، پرتلاش و فداکار (۵ درصد) و فرصت‌طلب و بلندپرواز (۵ درصد) است.

جدول ۱: طبقه‌بندی کلی نقش‌های مردان و زنان و صفات بارز آنان.

نام داستان	نقش زنان	نقش مردان	صفت بارز زنان	صفت بارز مردان
زن‌بابای بهانه‌گیر	خانه‌دار	شکارچی	بهانه‌گیر، بدجنس	مطیع، سنگ‌دل
مرد فقیر	همسری	چوپان	مهربان، مطیع شوهر	طمع‌کار، سنگ‌دل
نصفی	همسری	پدر خانواده	فضول، خبرچین	باهوش، تصمیم‌گیرنده، حيله‌گر

بررسی نقش و جایگاه زن جنوب در قصه‌های عامیانه (گپ شو) ۶۷

ادامه جدول ۱: طبقه‌بندی کلی نقش‌های مردان و زنان و صفات بارز آنان

نام داستان	نقش زنان	نقش مردان	صفت بارز زنان	صفت بارز مردان
اجل	مادری	پدری	ضعیف، غمگین	دل‌سوز
دختر خارکن	مادری	خارکن	حسود، ضعیف	حقیقت‌جو، فداکار
بز زنگوله‌پا	مادری	-	مهربان، دل‌سوز	-
مرد و زن فقیر	خانه‌دار	شوهر	حیله‌گر	هوس‌باز، بی‌غیرت
سگ باوفا	-	کدخدا	-	سنگ‌دل و بی‌رحم
نَم‌دو	خانه‌دار	شوهر	خیانت‌کار	حقیقت‌جو
پسر جومه سیاه	خانه‌دار	شوهر	خیانت‌کار، حیله‌گر	ساده‌لوح، فرصت‌طلب
بادنگون (بادمجان)	خانه‌دار	کشاورز	مهربان	پرتلاش، سخت‌کوش، فداکار
پسر خارکن	خانه‌دار	پادشاه	زیبا	باهوش، شجاع
خارکن و هفت دختر	خانه‌دار	خارکن - پادشاه	غمگین، تنها، بی‌کس	سنگ‌دل، بی‌رحم، فرصت‌طلب
پادشاه و کوزه‌گر	خانه‌دار	پادشاه - کوزه‌گر	فضول	قدرت‌مند، مسئولیت‌پذیر
دو برادر	خانه‌دار	شکارچی	مکار، حیله‌گر، بدجنس	شاد، بی‌غصه
پیرمرد	خانه‌دار	شوهر	عشوه‌گر، فضول	سنگ‌دل
پادشاه و وزیر	دختر خانواده	پادشاه، وزیر	باهوش، زیبا	زیرک، قدرت‌مند
دیو	مادری	چوپان	فاقد قدرت، مهربان	شجاع، نترس
جستجو	خانه‌دار	پدری	ضعیف و ناتوان	بی‌مسئولیت
مادر	مادری	-	دل‌سوز، مهربان	-
دیو سپید	دختر خانواده	پسر	ناتوان و ضعیف	شجاع، نترس
چوپان	خانه‌دار	چوپان	مهربان، قانع	درست‌کار، راست‌گو
پادشاه اسکندر	-	پادشاه	-	بی‌رحم، سنگ‌دل
ملک محمد	خانه‌دار	پادشاه	زیبا، عاشق، مهربان	قدرت‌مند، تصمیم‌گیرنده
مرد پولدار	خانه‌دار	شوهر	زیرک، باهوش	بدبین، شکاک، خسیس

ادامه جدول ۱: طبقه‌بندی کلی نقش‌های مردان و زنان و صفات بارز آنان

نام داستان	نقش زنان	نقش مردان	صفت بارز زنان	صفت بارز مردان
کشک	خانه‌دار	کدخدا	فاقد قدرت، ناتوان	تصمیم‌گیرنده، ظالم
عروسک	عروسک‌ساز	پادشاه	حسود، خرافاتی	حقیقت‌جو
ملک	نامادری	پادشاه	حسود، حيله‌گر	دل‌سوز، مسئولیت‌پذیر
خواهر	خانه‌دار	شوهر	حيله‌گر، خیانت‌کار	بی‌اراده، مطیع
پیرزن	مادر	پسر	دل‌سوز و مهربان	پرتلاش، مسئولیت‌پذیر
مرد جوان	مادر	پسر	ضعیف و ناتوان	دل‌سوز، منطقی
مرد خسیس	خانه‌دار	باربر	مطیع، فاقد قدرت	خسیس
مهمان	خانه‌دار	شوهر	وفادار، مهربان	فداکار، مسئولیت‌پذیر
عروس	خانه‌دار	شوهر	بی‌تجربه	هوس‌باز، قدرت‌مند
کشیف	خانه‌دار	شوهر	تنبل، بی‌حوصله	باهوش، زیرک
پیرزن مُنگو	دختر پادشاه	پادشاه	فضول، مردم‌آزار، بدجنس	قهرمان، باهوش
خاله کورکور	خانه‌دار	شوهر	دیوانه، ساده‌لوح	باهوش، تصمیم‌گیرنده
خاگ طلایی	بافنده‌ی فرش	-	قانع	-
ستون	-	پادشاه	-	باهوش، قدرت‌مند
گربه و کاسه‌ی عتیقه	-	تاجر	-	طمع‌کار، باهوش
پادشاه و هفت دختر	دختر	پادشاه- کشاورز	عاشق، مصمم	نترس، شجاع
هفت دختر	دختر	-	مطیع، فاقد قدرت	-
اژدها	خانه‌دار	وزیر، پادشاه	بی‌وفا، خیانت‌کار	بلندپرواز، شجاع
سنگ صبور	دختر	تاجر	ضعیف، حسود، زیبا	قهرمان، تصمیم‌گیرنده
دختر پادشاه	خانه‌دار	پادشاه، وزیر	ناتوان، ضعیف	ستم‌گر، قدرت‌مند
قسمت	مادری	پادشاه	مطیع، ترسو	بی‌رحم، قدرت‌مند

بررسی نقش و جایگاه زن جنوب در قصه‌های عامیانه (گپ شو) ۶۹

ادامه جدول ۱: طبقه‌بندی کلی نقش‌های مردان و زنان و صفات بارز آنان

نام داستان	نقش زنان	نقش مردان	صفت بارز زنان	صفت بارز مردان
بی‌گناه	خانه‌دار	وزیر	وفادار، ضعیف	هوس‌باز، قدرت‌مند
آشنا	خانه‌دار	شوهر	خائن، حاضر جواب	با آبرو
خواهر و برادر	خانه‌دار	شوهر	بی‌رحم، حیله‌گر	سنگ‌دل
گدایی	-	پدر	-	با ایمان، عاقل
دختر کلموچی	نامادری	پدر	-	با ایمان، عاقل
کچل کله کمی	نامادری	پادشاه	جادوگر، حیله‌گر	قهرمان، قدرت‌مند
هفت ازدها	دختر	تاجر	مهربان، دل‌سوز	شجاع، فرصت‌طلب
محمد شاه	دختر	پسر فقیر	زیبا، مصمم	عاشق، قهرمان
قصه‌ی تلخ	خانه‌دار	شوهر	ضعیف، فاقد قدرت	ستم‌گر، هوس‌باز
شیرزاد	خانه‌دار	خارکن	زیرک، طمع‌کار	پرتلاش
نسترن	نامادری	پسر پادشاه	حیله‌گر	مصمم، با اراده
پادشاه و انگشتری	خانه‌دار	پسر پادشاه	بی‌پناه	هوس‌باز، حیله‌گر
سرانجام کار	مادر	شوهر	مهربان و دل‌سوز	بی‌رحم
چرم	-	پدر	-	عاقل، فهمیده

نتایج جدول شماره‌ی دو نشان می‌دهد که ۸۸/۴ درصد از زنان در این قصه‌ها عهده‌دار نقش‌های اجتماعی بوده‌اند. خانه‌داری، نقش همسری و مادری نمونه‌های بارز این نوع نقش هستند. در قصه‌های مورد بررسی، زن خوب در معنای عام آن، زیبا و خانه‌دار است که به انجام دادن کارهای خانگی یعنی زناشویی، نگاه‌داری از فرزندان و خانه مشغول است. این درحالی است که تنها ۳/۴ درصد دارای نقش اقتصادی بوده و در عین حال هیچ نقش سیاسی برعهده نداشته‌اند. هم‌چنین جدول زیر نشان می‌دهد که ۳۸/۲ درصد از مردان دارای نقش‌های اجتماعی‌اند و این نقش اجتماعی در پدر بودن و شوهر بودن خلاصه می‌شود. حضور مردان در نقش‌های سیاسی با ۳۳/۸ درصد در مرتبه‌ی دوم قرار دارد. نقش‌های

۷۰ پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۸

پادشاه، وزیر و کدخدا نمونه‌ی بارز نقش‌های سیاسی‌اند. ۲۲/۵ درصد از مردان نیز دارای نقش‌های اقتصادی‌اند.

جدول ۲: شناخت سهم هر یک از نقش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به تفکیک زن و مرد در جامعه‌ی

مورد مطالعه

جنسیت نقش	مرد	درصد	زن	درصد
اقتصادی	۱۵	۲۲/۵	۲	۳/۴
اجتماعی	۲۶	۳۸/۲	۵۳	۸۸/۴
سیاسی	۲۳	۳۳/۸	۰	۰
فاقد نقش زن یا مرد	۴	۵/۸	۵	۸/۳
جمع	۶۸	۱۰۰	۶۰	۱۰۰

جدول شماره‌ی سه نشان می‌دهد، سیاست عرصه‌ای است که حضور مردان در آن نسبت به بقیه‌ی موارد بیشتر است که خود نشان از اقتدار و در دست داشتن ابزار قدرت در بین مردان دارد. در عرصه‌ی اجتماعی مردان بیش‌تر نقش شوهری دارند (۲۱/۸ درصد).

جدول ۳: شناخت سهم نقش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردان به تفکیک نقش

فرلوان نقش	سیاسی			اجتماعی					اقتصادی			کل	
	پادشاه	وزیر	کدخدا	پدر	شوهر	پسر	کشاوری	چوپان	نابزر	شکارچی	خارکن		کوزه‌گر
تعداد	۱۷	۴	۲	۵	۱۴	۵	۲	۲	۱	۲	۲	۱	۵۴
درصد	۲۶/۵	۶/۲۵	۳/۱	۷/۳	۲۱/۸	۷/۳	۳/۱	۴/۴	۱/۵	۴/۴	۳/۱	۴/۴	۱۰۰

نتایج جدول شماره‌ی چهار نشان می‌دهد که نقش زنان در عرصه‌ی اجتماعی بیش‌تر در خانه‌داری (۲۶.۷ درصد) و بعد از آن به ترتیب در نقش‌های همسری (۲۵ درصد) و مادری (۱۳ درصد) خلاصه شده است. در این داستان‌ها و قصه‌ها زنان در نقش‌های کلیشه‌ای خانه‌داری و مادری قرار گرفته‌اند و به‌عنوان موجوداتی

بررسی نقش و جایگاه زن جنوب در قصه‌های عامیانه (گپ شو) ۷۱

به تصویر کشیده شده‌اند که تنها از عهده‌ی این نقش‌ها برمی‌آیند. مهم‌تر این‌که زنان در عرصه‌ی سیاسی هیچ فعالیت و جایگاهی ندارند و در عرصه‌ی اقتصادی نیز در مشاغل سطح پایین فعالیت می‌کنند.

جدول ۴: شناخت سهم هر یک از نقش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان به تفکیک نقش.

نقش فراوانی	اجتماعی				اقتصادی		سیاسی	کل
	خانه‌دار	همسر	مادر	دختر	فرش‌باف	عروسک‌ساز		
تعداد	۱۶	۱۵	۱۳	۹	۱	۱	۰	۶۰
درصد	۲۶/۷	۲۵	۲۱/۶	۱۵	۱/۷	۱/۷	۰	۱۰۰

تحلیل یافته‌ها با استفاده از تئوری پارسونز

جدول شماره‌ی پنج نشان می‌دهد در قصه‌های مورد بررسی مردان اغلب نقش‌های راهبردی سیاسی (۷/۶۹ درصد)، کمکی اجتماعی (۲۱/۵۲ درصد) و عادی اقتصادی (۲۴/۶ درصد) را ایفا می‌کنند، اما در حوزه‌ی فرهنگی هیچ نقشی را بر عهده ندارند. در حالی که زنان در هیچ‌کدام از نقش‌های راهبردی در هر سه حوزه حضور ندارند و عمده فعالیت زنان در نقش‌های کمکی اجتماعی و عادی اجتماعی است که شامل نقش‌های مادری، همسری و خانه‌داری است. این در صورتی است که زنان در جامعه‌ی کنونی در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی حضور دارند. براساس آمار ارائه شده بوسیله سازمان سنجش کشور (۱۳۸۸) تقریباً ۷۰ درصد پذیرفته‌شدگان در دانشگاه در سال ۸۸ زنان بوده‌اند و همچنین در سال‌های اخیر فارغ‌التحصیلان زن نسبت به مرد از نسبت بیش‌تری برخوردار بوده است که این نشان از حضور زنان در عرصه‌ی اجتماعی است اما در حوزه‌ی مدیریتی و دسترسی به قدرت نسبت درصد پایینی را به خود اختصاص می‌دهد که مطالعات انجام شده نیز به این مطلب اشاره داشته‌اند (خلیلی، ۱۳۸۶؛ پور قاسم، ۱۳۸۱).

جدول ۵: تقسیم‌بندی نقش‌های زنان و مردان بر اساس تئوری نقش پارسونز

جنسیت نقش اول	مرد	درصد	زن	درصد
راهبردی اقتصادی	۰	۰	۰	۰
بانیفوذ اقتصادی	۳	۴/۶	۰	۰
کمکی اقتصادی	۰	۱۸/۴۵	۰	۰

جدول ۵: تقسیم‌بندی نقش‌های زنان و مردان بر اساس تئوری نقش پارسونز

جنسیت نقش اول	مرد	درصد	زن	درصد
عادی اقتصادی	۱۲	۲۴/۶	۲	۳/۴
راهبردی سیاسی	۱۶	۲۴/۶۱	۰	۰
بانفوذ سیاسی	۵	۷/۶۹	۰	۰
کمکی سیاسی	۲	۳/۰۷	۰	۰
عادی سیاسی	۰	۰	۲	۳/۴
راهبردی اجتماعی	۰	۰	۰	۰
بانفوذ اجتماعی	۰	۰	۰	۰
کمکی اجتماعی	۱۴	۲۱/۵۲	۳۴	۵۷/۶۲
عادی اجتماعی	۱۱	۱۶/۹۱	۱۵	۲۵/۴۲
راهبردی فرهنگی	۰	۰	۰	۰
بانفوذ فرهنگی	۰	۰	۰	۰
کمکی فرهنگی	۰	۰	۰	۰
عادی فرهنگی	۰	۰	۰	۰
فاقد زن - مرد	۲	۳/۰۷	۶	۱۰/۱۶
جمع	۶۵	۱۰۰	۵۹	۱۰۰

نتیجه‌گیری

اگرچه تفاوت‌های قابل ملاحظه در نقش‌های مربوط به زنان و مردان در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد هیچ مورد شناخته شده‌ای از جامعه که در آن زنان قدرت‌مندتر از مردان باشند وجود ندارد. زنان در همه‌جا اساساً با پرورش کودکان، نگهداری و اداره‌ی خانه سروکار دارند در حالی که فعالیت‌های سیاسی و نظامی در همه جا آشکارا مردانه است. با وجود تغییراتی که کم و بیش در مورد حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه‌ی در حال گذار ایران در دهه‌های اخیر صورت گرفته و در جریان است، اما هنوز بسیاری از الگوها و مناسبات قدیمی در زوایای مختلف و اعماق این جامعه به قوت خود باقی مانده است.

بررسی نقش و جایگاه زن جنوب در قصه‌های عامیانه (گپ شو) ۷۳

مقاله‌ی حاضر نشان می‌دهد که زنان در قصه‌ها غالباً در نقش‌های اجتماعی ظاهر می‌شوند که نمونه‌ی بارز آن خانه‌داری و نقش مادری و همسری است. مردان بیش‌تر در نقش‌های سیاسی دیده شده‌اند که نمونه‌ی چنین نقش‌هایی پادشاه و وزیر است. از سوی دیگر ویژگی شخصیتی زنان این قصه‌ها ضعیف و ناتوان بودن‌شان است، آن‌ها فاقد قدرت در خانواده و وابسته به مردان هستند. هم‌چنین مهربانی و دل‌سوزی نیز خصوصیت آشکار آن‌ها است. ویژگی بارز شخصیتی مردان نیز به ترتیب؛ قدرت‌مندی، شجاعت و توان تصمیم‌گیری در آنان است. یافته‌های این مقاله هم‌چنین گویای آن است که اگر چه زنان در سال‌های اخیر مشاغل متنوعی را بر عهده داشته‌اند، اما در قصه‌ها هم‌چنان به‌عنوان موجوداتی به تصویر کشیده می‌شوند که تنها از عهده‌ی نقش‌های خانگی برمی‌آیند.

منابع

- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۱) «تبیین نگرش نسلی به زن در جامعه ایران»، فصل‌نامه‌ی پژوهش زنان، شماره ۳، صص ۲۴-۷.
- پورقاسم، سهلا (۱۳۸۱) «بررسی وضعیت اشتغال زنان تحصیل‌کرده»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴) تکنیک‌های خاص تحقیق، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳) مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محسنی، منوچهر و مسعود کوثری (۱۳۷۸) وضعیت تحقیقات فرهنگی اجتماعی در ایران، تهران: رسانه‌ساز.
- مرکز آمار ایران، یافته‌های نتایج سرشماری ۱۳۸۵.
- مجموعه مقالات (۱۳۸۰) مشارکت و نقش سازمان غیردولتی در اداره عمومی با تأکید بر نقش زنان، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- مقصودی، سوده (۱۳۸۳) «بررسی نقش زنان در داستان‌های کودکان»، فصل‌نامه پژوهش زنان، دوره دوم، شماره ۳، صص: ۵۷-۴۱.
- هولستی، آل-آر (۱۳۷۳) تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات علامه طباطبایی.
- Decrow, k. and Lock, j (1972) sex differences and discrimination in education, Worthington, ohio: Charles, A, Jones.